

تحلیل عملکرد فضایی شهر میانی مرنند در سطح شهرستان مرنند

حسین حاتمی نژاد* - استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

حمید پورحسین - کارشناس ارشد شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی^۱

صابر محمدپور - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی

ایوب منوچهری میان‌دوآب - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۶ تأیید نهایی: ۱۳۹۰/۱/۳۱

چکیده

امروزه در ساخت شهرها و تعیین اندام جغرافیایی آنها به تعادل شهر و ناحیه، روابط هماهنگ شهر و روستا، توازن فضایی و تعادل انسان و محیط می‌انديشند. ایجاد و رویش قارچ‌گونه شهری با اندام بلند جغرافیایی، در نواحی کشور آن‌جا که روستاها پراکنده و نافرشته هستند و روابط ارگانیکی بین شهر و روستا وجود ندارد به فروپاشی این تعادل‌ها خواهد انجامید. بایستی برنامه‌ریزی‌ها به پیروی از ویژگی‌های فیزیکی، اقتصادی و انسانی ناحیه روی تمام شهرهای ناحیه، از کوتاه‌اندام گرفته تا روستاها توزیع و پخش شود تا ارتباط هماهنگ و متعادل ناحیه با تمام مراکز شهری حفظ شود. در مقاله‌ی حاضر به بررسی عملکرد جمعیتی - اقتصادی شهر میانی مرنند در سطح فضایی شهرستان مرنند پرداخته شده است. مدل‌های جمعیتی نشان می‌دهند که شهر مرنند، به تنهایی ۸۰٪ از جمعیت شهری شهرستان را دارد و ۱۶ برابر شهر دوم شهرستان است. همچنین، ۵۰٪ کل جمعیت شهرستان تنها در شهر مرنند ساکن هستند. ضریب کشش‌پذیری نشان می‌دهد که شهر مرنند از توان کشش‌پذیری جمعیتی بالایی برخوردار بوده، در حالی که ضریب کشش‌پذیری بقیه شهرهای شهرستان پایین‌تر یا منفی بوده است، همچنین موازنه‌ی مهاجرت در شهر مرنند مثبت بوده و در مقابل موازنه‌ی مهاجرت کل شهرستان منفی است. مدل‌های اقتصادی بیانگر نقش خدماتی شهر مرنند در شرایط اقتصاد پایه‌ای است و بعد از آن بخش صنعت شرایط اقتصاد پایه‌ای را دارد، ولی بخش کشاورزی، هم در سطح شهرستان و هم در سطح شهر مرنند، جزء اقتصاد پایه‌ای محسوب نمی‌شود. بررسی حوزه‌ی نفوذ شهر مرنند نشان می‌دهد که این شهر بخش عمده‌ای از خدمات را به حوزه‌ی نفوذ اختصاص داده و در رفع نیازهای خدماتی برای حوزه‌ی نفوذ در اهمیت نخست قرار دارد. در نهایت، پیشنهاد می‌شود که در کنار سرمایه‌گذاری در شهر میانه‌ی مرنند باید به شهرهای کوچک شهرستان، مانند کشکسرای، زنوز، یامچی و بناب جدید و روستاهای اطراف آنها از نظر تأمین خدمات، تأسیسات زیربنایی و رفع نیازها و کمبودها و ایجاد زمینه‌های اشتغال نیز توجه کرد تا از این طریق با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های شهرستان مرنند به توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی آن کمک نمود.

کلیدواژه‌ها: شهر میانی، شهر مرنند، شهرستان مرنند، عملکرد جمعیتی - اقتصادی، حوزه‌ی نفوذ.

مقدمه

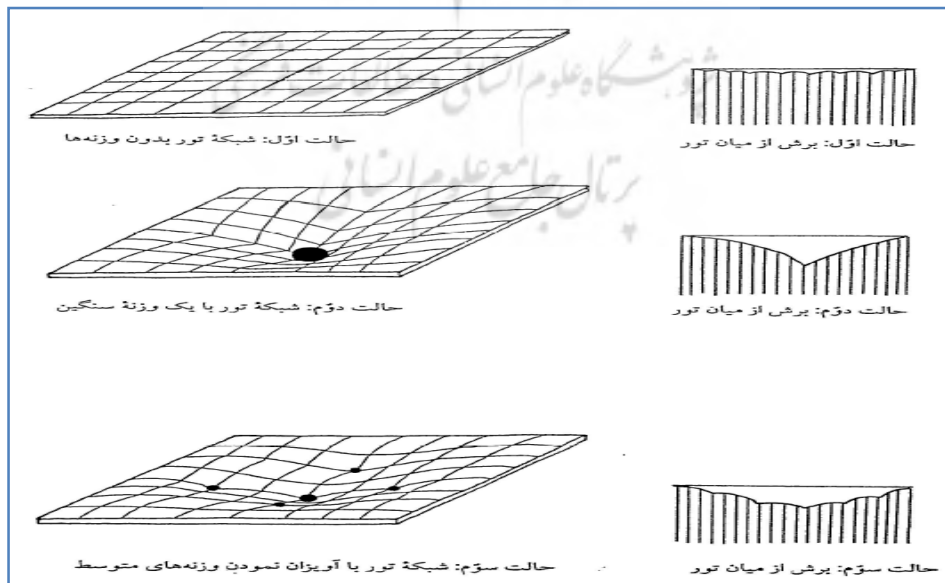
در دیدگاه‌های تبیین‌کننده‌ی فرایند توسعه‌ی منطقه‌ای، موضوع توازن در توسعه و آرایش متعادل فعالیت‌ها در فضا، از اهمیّت خاصی برخوردار است. امروزه، لزوم توجه به تمرکززدایی در بحث توسعه، به‌ویژه در کشورهای رو به پیشرفت، از اساسی‌ترین نگرش‌ها است و در بحث تمرکززدایی یکی از پایه‌ای‌ترین مباحثی که مطرح شده، لزوم نگرش به بخش‌های میانی سلسله‌مراتبی سکونتگاه‌هاست که در این میان، شهرهای متوسط، نیازمند توجه ویژه‌ای هستند. مرور تجربه‌ها نشان می‌دهد که شهرهای میانی معمولاً، توانایی جذب فعالیت‌ها را بر اساس میزان مدّ نظر سیاستگذاران ندارند (محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۸۱، ۱۶). در ایران نیز با وجود اهمیّتی که در متن برنامه‌های توسعه در دهه‌های گذشته به شهرهای میانی داده شده است، توجه چندانی به شناخت سازوکارهای شهرهای میانی در متن برنامه‌های توسعه نشده است و حتی گاهی با ابزارهای قطب رشد و به‌صورتی انتخابی با این شهرها برخورد شده است در حالی که رفع معضلات کلانشهرها نیز تا حدّ زیادی بستگی به ساماندهی و حلّ مشکلات شهرهای کوچک و متوسط دارد (رجایی، ۱۳۸۶، ۲). همچنین شواهد تجربی نشان داده که توزیع نظام‌یافته‌ی شهرها (بر مبنای فرضیه‌های تئوری مکان مرکزی) با سطح بالای توسعه‌ی اقتصادی همراه است و کشورهایی که شهرهای آن در یک سلسله‌مراتب منطقی در فضای ملی استقرار یافته‌اند، اقتصاد متعادلی دارند.

کشورهای رو به پیشرفت با پدیده‌ی نخست‌شهری و تمرکزگرایی زیادی روبه‌رو هستند. براساس دیدگاه‌های مطرح شده، شهرهای متوسط می‌توانند، روند تمرکزگرایی را تعدیل کرده با بازنگری نظام شهری، راه حلی برای مسئله‌ی نخست‌شهری باشند. براساس نظریه‌های مدافع شهرهای متوسط، این شهرها می‌توانند در درون یک شبکه‌ی شهری متوازن و بر پایه‌ی سلسله‌مراتب، نقش‌های مورد انتظار را همانند یک کنش‌یار رشد و توسعه، ایفا کند. در بررسی ایده‌های صاحب‌نظرانی که به‌طور خاص به شهرهای متوسط پرداخته‌اند، می‌توان دریافت که بیشتر آنها مسائل و مشکلات ناشی از قطب‌گرایی فضایی، نابرابری‌های منطقه‌ای، تقدّم و تسلط تک‌شهری، تفاوت‌ها و دوگانگی‌های شهری - روستایی، کاهش کیفیت زندگی در شهرهای بزرگ و سرانجام ناهماهنگی در توزیع فضایی امکانات، منابع و سرمایه‌ها را مطرح کرده‌اند و سپس با بیان دلایل شکست راهبردهای مبتنی بر قطب‌های رشد و تمرکزگرایی صنعتی در پی توجیّهات نظری برای راهبردهای شهرنشینی غیرمتمرکز با تأکید بر حمایت از شهر متوسط بوده‌اند. در این پژوهش تلاش بر این است که با استفاده از مدل‌های کمی جمعیتی و اقتصادی، نقش شهر مرند به‌عنوان یک شهر میانی در شهرستان مرند، مورد تحلیل قرار گیرد.

مبانی نظری

در مطالعه‌ی تاریخ توسعه‌ی کشورهای پیشرفته چنین پیداست که بدون وجود الگوهای پیوند چندبخشی، رشد پایدار ممکن نمی‌شود و در جریان تکامل اقتصاد کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، به‌طور پیوسته، تحولاتی در زمینه‌ی مکان‌یابی دوباره‌ی زمین، کار، سرمایه، بازار، دولت و نهادهای اجتماعی رخ داده است و سلسله‌مراتب شهری چهارچوبی برای گسترش، پراکنش فواید، ابتکارها، نوع‌آوری‌ها و منابع بوده است. به نظر هنسن، در بیشتر موارد در مباحث تئوریک

مرکز - پیرامون و سلسله مراتب فضایی، گرایش زیادی بر نادیده انگاشتن اهمیت تاریخی شهرهای کوچک و متوسط دیده می‌شود. تاریخ نشان می‌دهد که رشد اقتصادی به اجبار در مراکز شهری بزرگ و مسلط بر اقتصاد ملی و یا بین‌المللی رخ نداده است و فعالیت‌های اقتصادی به صورت نامتمرکز، در بسیاری از کشورهای پیشرفته اروپایی پراکنده بوده است. "هنسن" مثال‌های مختلفی در این زمینه ارائه داده و به مطالعات تجربی دیگران از جمله "برادل" اشاره کرده است. نمونه‌ی جالب‌توجه، تاریخ توسعه‌ی انگلستان است که بسیاری از نوآوری‌ها و تکان‌های توسعه، نه در مرکز لندن، بلکه در بسیاری از شهرهای کوچک و متوسط دیگر روی داده است. به گفته‌ی او، مطالعات جونز^۱ نشان می‌دهد که شهرهای کوچک در اروپای غربی در بسیاری از موارد، در طول توسعه‌ی این کشورها، برای مسائل علمی، اجرایی و اداری خود راه‌حل‌های محلی ارائه داده‌اند. (Hansen, 1982, 304-308). "هاکنبرگ" بر این باور است که تنها یک سیاست توسعه که هدفش خلق نظام اسکان مؤلّد و بهره‌ور باشد، می‌تواند نیازهای جامعه را مؤثرتر فراهم کند. این امر از طریق گسترش فرصت‌های اشتغال و ایجاد درآمد برای فقرا و تهیه‌ی خدمات مورد نیازشان و دادن فرصت به آنها برای ابراز تقاضای خود (تقاضا برای کالاها و خدمات) امکان‌پذیر است. از دید "هاکنبرگ" یک سیاست هدایت بهره‌وری، باید با سازمان سکونت و اقتصادی جوامع شهری مرتبط باشد؛ بنابراین چنین سیاستی، مکان‌گراست. با افزایش بهره‌وری و درآمد، منابع سیال می‌شوند و خدمات اساسی مورد نیاز جامعه فراهم می‌شود. او بر این باور است که تقویت شهرهای متوسط و پیوندهای آنان با شهرهای کوچک‌تر و شهرک‌ها، می‌تواند موجب توسعه‌ی متعادل از پایین به بالا شود (Rondinelli, 1983, 22 & 41) و (Hackenberg, 1982, 140-168). در الگوی تور و وزنه‌ها یک منطقه به شبکه‌ای از تور تشبیه شده و هر رشته‌ی نخ، نمایانگر ارتباطات است و محل‌های تقاطع نخ‌ها نشانگر مراکز اسکان جمعیت هستند (شکل ۱).



با توجه به این مدل، شهرهای متوسط به دلیل داشتن ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، اداری و سیاسی، این قابلیت را دارند که مانند وزنه‌های تعادل بخش با فاصله‌ی کافی از شهر مسلط، سازمان فضایی منطقی را متوازن کنند. تقویت این شهرها به منزله‌ی آن است که بر سنگینی این وزنه‌ها افزوده شده و اختلاف شدید وزن آنها به شهر اول کاهش یابد (سازمان برنامه و بودجه ۱۳۶۲، ۶۶-۷ و امکچی، ۱۳۶۴).

"کلاس کانزمن" حمایت و تقویت شهرهای متوسط را کلید موفقیت خطمشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌داند. او می‌نویسد: "مرور نتایج برنامه‌های جامعه‌ی توسعه‌ی منطقه‌ای، نشان می‌دهد که بسیاری از اهداف تحقق نیافته‌اند و دلایل این شکست عبارت‌اند از: وابستگی‌های بین‌المللی، مشکلات مالی، تمرکز اقتصادی و کالبدی، کمبود نیروی انسانی کارآمد و متخصص و سرانجام فراموش کردن نیازهای اساسی و بی‌توجهی به روش‌های نامتمرکز" (کانزمن، ۱۳۶۴، ۳). از دید کانزمن، موارد گفته شده برخاسته از چند مشکل اساسی، از جمله شناخت ناکافی از پیچیدگی‌های توسعه‌ی منطقه‌ای است؛ یعنی همان چیزی که "آر. پی. میسرا" آن را فقر نظریه‌ای در ارتباط با توسعه‌ی منطقه‌ای نامیده است (مسیرا و مابوگونج، ۱۳۶۸، ۲۹۲).

"کلاس کانزمن"، نقش‌ها و عملکردهایی را برای شهرهای متوسط برمی‌شمارد و آنها را پایه‌ی نظری راهبردهای توسعه برای یک الگوی شهرنشینی متوازن و متعادل می‌داند. او توسعه‌ی هدایت‌شده‌ی فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی شهرهای میانی را موجب کمک به موارد زیر می‌داند:

- پراکنش شهرنشینی و هدایت مهاجرت روستاییان به شهرهای میانی (متوسط)؛
- کاهش مشکلات شهرهای بزرگ‌تر؛
- تحرک بخشیدن به اقتصاد روستایی - منطقه‌ای؛
- کاهش اختلاف‌ها و نابرابری‌های مناطق؛
- افزایش توانایی‌های سیستم مدیریت - اجرا؛
- کاهش فقر شهری؛
- کمک به فراهم کردن نیازهای اساسی جوامع روستایی و شهری؛
- تحرک اقتصاد شهری و گسترش نوآوری‌ها.

با پذیرفتن فرض‌های گفته‌شده، توسعه‌ی شهرهای میانی، عاملی اساسی در راهبردهای ملی شهرنشینی است. با

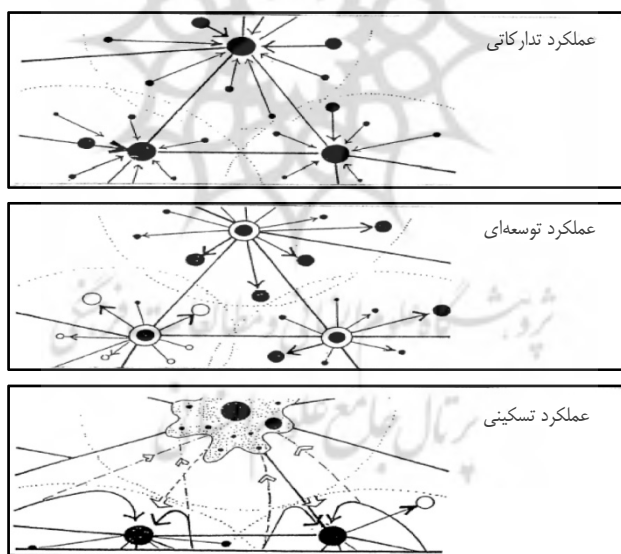
شهرنشینی از پیش هدایت‌شده می‌توان با مسائل زیر مواجه شد:

- انطباق با نرخ بالای رشد جمعیت؛
- خنثی کردن آثار راهبردهای نامتوازن استقرار فضایی؛
- کاربرد منطقی منابع موجود و حفاظت از محیط زیست و منابع ملی؛
- ایجاد مکان‌های قابل توجه برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی.

کانزمن سپس به عملکردهای بالقوه‌ی شهرهای میانه؛ یعنی عملکردهای تولیدی، تسکینی و توسعه‌ای اشاره و آنها

را شرح می‌دهد. گفتنی‌ست که کانزمن به تبیین و تحلیل این عملکردها کمتر توجه داشته و اظهارنظر او متکی بر پیش‌فرض‌ها و برخی شواهد تجربی است.

کانزمن برای دستیابی به الگوی شهرنشینی متوازن، حمایت از شهرهای متوسط را راهبردی قابل دفاع می‌داند؛ زیرا فرض می‌کند این شهرها در ایجاد تحرک ساختار اقتصادی سکونتگاه‌های پیرامون تأثیر مثبت دارند. همچنین نقش‌های مورد نظر او برای شهرهای میانه، برپایه‌ی چند فرض اساسی است که تسکین و کاهش مشکلات شهرهای بزرگ (با جذب بخشی از جریان‌های مهاجرت روستا - شهری)، کمک به رونق اقتصاد شهری و روستایی، جذب مهاجران روستایی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای از جمله آنهاست. "راندینلی" ضمن شرح مسائل و معضلات اقتصادی - اجتماعی، کالبدی - فضایی و سیاسی شهرهای بزرگ و هزینه‌های مقابله با آنها نتیجه می‌گیرد که با ظرفیت‌سازی برای شهرهای متوسط، فشارهای جمعیتی بر شهرهای بزرگ کاهش خواهد یافت و آنها به‌درجه‌ای از رشد که قابل مدیریت باشد خواهند رسید (Rondinelli, 1983, 16-31). در مجموع، "نیلز هنسن" با رویکردی تاریخی، راهبرد توسعه از پایین را برای کشورهای رو به پیشرفت مناسب‌تر می‌داند و چون این کشورها زنجیره‌ی توانمندی از شهرهای متوسط و کوچک برای انتقال توسعه از پایین را ندارند، برای رشد این مراکز شهری اهمیت بسیار قائل است (Ibid, 308-320).



شکل ۲. نقش‌ها و عملکردهای بالقوه شهرهای متوسط (از دیدگاه کانزمن)

منبع: (کانزمن، ۱۳۶۴، ترجمه امکچی : ۵)

راندینلی بر این باور است که توسعه‌ی شهرهای میانی، وسیله‌ای برای گسترش فواید شهرنشینی بخش بزرگی از جمعیت کشورها و کاهش تبعیض‌های بین مناطق است. همچنین اگر مسائل حاد تمرکز شدید جمعیت شهری از انگیزه‌های تقویت شهرهای متوسط است، این نکته که توسعه‌ی روستایی و شهری ارتباط تنگاتنگی دارند، نشان می‌دهد که شهرهای متوسط می‌توانند نقش مهمی، به‌عنوان کنشیار، برای توسعه‌ی روستایی ایفا کنند و رشد اقتصادی برابرگرا را در نواحی روستانشین تشویق کنند، گفتنی‌ست که کارشناسان و تحلیلگران بانک جهانی نیز بر این امر تأکید می‌ورزند.

به‌طور مثال، "هری ریچاردسون" در مطالعاتی که برای بانک جهانی انجام داده، راهبرد شهرهای متوسط را موجد همبستگی فضایی ملی و موجب گسترش نوع‌آوری‌های فنی و اجتماعی از نواحی مادرشهر، تمرکززدایی فرصت‌های شغلی، تجاری کردن کشاورزی و توزیع عادلانه‌تر رفاه میان شهرها و مناطق دانسته است. (Ibid, 34) همچنین راندینلی نتیجه می‌گیرد که سامانه یا سیستمی از شهرهای میانی گسترش یافته در سطح جغرافیایی، برای تمرکززدایی سرمایه‌گذاری خصوصی لازم است (Ibid, 1983, 38). به‌گفته‌ی دیگر، اگر تمرکززدایی سرمایه‌گذاری خصوصی، راهی برای توسعه‌ی ملی باشد، این امر مستلزم شبکه‌ای از شهرهای متوسط یکپارچه و تقویت شده است. نگرش‌های او حاصل مطالعه‌ی موردی ۳۱ شهر از ۱۷ کشور جهان است و نشان می‌دهد که ویژگی‌های عملکردی مشترکی را برای این شهرها می‌توان یافت که با شدت و ضعف در موارد گوناگون روبه‌روست. او اشاره می‌کند که این ویژگی‌ها، همچون قضایای پیشنهادی درباره‌ی شهرهای متوسط شمرده می‌شوند و لازم است در هر کشور قبل از تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مربوطه، مورد آزمون قرار گیرند (Ibid, 117-118). در زیر سیاست‌های کشورهای مختلف بیان شده است.

جدول ۱. سیاست‌های کشورهای مختلف در رابطه با تعادل فضایی سکونتگاه‌های شهری

کشور	مشکلات نظام شهری	قابلیت کاربرد
برزیل	تمرکز شهرنشینی و تقدّم و تسلط چند شهر بزرگ بر فضای سرزمین و نابرابری‌های شدید منطقه‌ای	تقویت نظام‌های حمل و نقل و بهبود زیرساخت‌های شهری در شهرهای متوسط، اقداماتی برای کاهش تمرکز در نظام شهری کشور است.
فرانسه	تمرکز رشد شهری و پدیده‌ی نخست‌شهری	توسعه‌ی شبکه‌های حمل و نقل، گسترش تجهیزات شهری و سرمایه‌گذاری در بخش صنعت، در کاهش تمرکز شهری و هماهنگ‌سازی توزیع جمعیت و فعالیت‌ها در فضای سرزمین مؤثر است.
نیجریه	ماکروسفالی شهری	تمرکززدایی صنعتی با سرمایه‌گذاری در صنایع شهرهای متوسط (همراه با تمرکززدایی اداری)، منجر به تمرکززدایی از نظام شهری و کنترل رشد بی‌رویه کلانشهرها می‌شود.
هندوستان	تمرکز رشد شهری و پدیده‌ی نخست‌شهری	فرض حاکم بر راهبرد مورد استفاده در هندوستان این است که تمرکززدایی صنعتی از نواحی پُرتراکم به‌سوی شهرهای متوسط، موجب کشش مهاجران روستایی به این شهرها خواهد شد و این امر در همترازسازی توسعه‌ی فضایی و اجتماعی مؤثر است.
کره جنوبی	تراکم شدید اشتغال صنعتی در ناحیه‌ی نخست‌شهر و تسلط پایتخت به کل نظام فضایی و اقتصاد ملی	انتظار می‌رود با تغییر مکان صنایع، از نواحی پُرتراکم به شهرهای متوسط و توسعه‌ی زیرساخت‌های شهری در آنها، از نابرابری‌های درآمدی و ناهماهنگی‌های شدید منطقه‌ای و نیز، میزان تسلط نخست‌شهر، کاسته شود.
اکوادور	تسلط و برتری دو شهر بزرگ بر نظام سکونتگاهی و تمرکز شدید جمعیت و فعالیت‌ها	حمایت از ۱۶ شهر متوسط، تمرکززدایی صنعتی، توسعه‌ی زیرساخت‌های شهری و بهبود پایه‌های مالیاتی در شهرهای متوسط، می‌تواند از جریان‌های جمعیتی به‌سوی شهرهای بزرگ جلوگیری کند.
مالزی	تمرکز و تجمع فشرده‌ی جمعیت و فعالیت‌ها در پایتخت به‌عنوان مسئله‌ای بزرگ	جلوگیری از تراکم در شهرهای بزرگ و حمایت از تمرکززدایی صنعتی با ایجاد سلسله‌مراتبی از شهرهای متوسط امکان‌پذیر است (با این فرض که سلسله‌مراتب شهرهای متوسط و مراکز جدید می‌تواند موجب ایجاد همترازی منطقه‌ای و گسترش توسعه در فضا شود).
کنیا	پدیده‌ی نخست‌شهری	تمرکززدایی صنعتی از اقدام‌های مؤثر در کاهش مشکلات ناشی از تسلط شهرهای بزرگ است.

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و شهرستان مرند و شهر مرند، محدوده‌ی جغرافیایی مورد مطالعه هستند. بخشی از اطلاعات مورد نیاز از مرکز آمار ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان شرقی، سازمان مسکن و شهرسازی استان، فرمانداری و شهرداری مرند به صورت مطالعه‌ی کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است و از طریق مدل‌های جمعیتی و اقتصادی و نرم‌افزارهای رایانه‌ای مورد تحلیل قرار گرفته است. بدین ترتیب از مدل‌های رتبه - اندازه، کشش‌پذیری، ضریب مکانی و تغییر سهم استفاده شده است. بخش دیگر برای مطالعه‌ی حوزه‌ی تعاملات بین‌روستایی و روستایی - شهری در سطح شهرستان مرند و شناخت الگوی مراجعات و شدت جریان‌های خدماتی در سطح شهرستان از روش پرسش‌نامه‌ای استفاده شده است، توزیع پرسش‌نامه‌ی نمونه‌گیری طبقه‌بندی‌شده‌ی تصادفی، هدفمند بوده که از بین ۱۰۳ روستا، ۳۰ روستا انتخاب شده است، بیشتر روستاهای مرکزی و روستا - شهرها به عنوان روستاهای هدف انتخاب شدند، همچنین برای آشنایی بهتر و گردآوری اطلاعات و آمار مورد نیاز، پرسش‌نامه‌هایی از سه بخش‌داری و سه اداره‌ی مرکزی شهرستان پُر شد. سؤال‌های مطرح‌شده در پرسش‌نامه‌ها بیشتر پیرامون چگونگی رفع نیازهای درمانی، آموزشی، خرید روزانه و هفتگی، اشتغال و کار، خدمات اداری، خدمات بانکی، علت انتخاب مراکز شهری برای رفع این نیازها، مهاجرت و علت مهاجرت بوده است.

ارزیابی عملکرد جمعیتی شهر مرند در سطح شهرستان

شهرستان مرند، هم‌اکنون پنج کانون زیست‌شهری به نام‌های مرند، کشکسرای، زنوز، یامچی، بناب جدید دارد. شهر مرند از نظر سلسله‌مراتب نظام شهری، به عنوان مرکز شناخته شده است و به عنوان مرکز سطح اول شهرستان شناخته می‌شود. از نظر جمعیتی شهر مرند، پرجمعیت‌ترین شهر ناحیه به شمار می‌رود و شهر کشکسرای با فاصله‌ی زیاد پس از این شهر قرار گرفته است. شهر مرند با جمعیت ۱۱۴۸۴۱ نفری در سال ۱۳۸۵ به عنوان مرکز شهرستان به شمار آمد و این شهر در طرح پایه‌ی آمایش استان، به عنوان شهر سطح دو، به مثابه کانون محرک توسعه - منطقه‌ای معرفی شده است، و در نهایت برای سازماندهی، توسعه و توازن بخشی در سطح شهرستان مهم خواهد بود. به استناد اطلاعات در دسترس، در سال ۱۳۸۵، جمعیت شهر مرند در حدود ۱۱۴۸۴۱ نفر و جمعیت شهر کشکسرای در حدود ۷۴۴۶ نفر بوده است و در واقع جمعیت شهر اول، در حدود ۱۶ برابر شهر دوم و ۲۶ برابر جمعیت شهر زنوز (کوچک‌ترین شهر شهرستان) است. نظام سلسله‌مراتب شهری ناحیه‌ی مرند در سال ۱۳۸۵، شامل یک شهر با جمعیت بیشتر از ۱۰۰ هزار نفر، دو شهر ۵ تا ۱۰ هزار نفر بوده و بقیه‌ی شهرها کمتر از ۵ هزار نفر جمعیت دارند (جدول شماره ۲).

ارقام جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که سلسله‌مراتب نظام شهری شهرستان مرند نامتناسب است و تفاوت سهم جمعیت شهر اول (مرند) با شهرهای بعدی بسیار زیاد است. برای تحلیل بهتر شبکه‌ی شهری شهرستان مرند، از توزیع

لگاریتمی مرتبه - اندازه^۱ استفاده شده است، لگاریتم مرتبه - اندازه‌ی شهرهای شهرستان مرند در جدول شماره (۳) نشان داده شده است.

جدول ۲. سلسله‌مراتب نظام شهری شهرستان مرند (در سال ۱۳۸۵)

موقعیت در ناحیه	شهرستان	جمعیت		نام شهر	طبقه‌ی جمعیتی
		درصد	تعداد		
مرکز شهرستان مرند	مرند	۸۲/۶۰	۱۱۴۸۴۱	مرند	بیشتر از ۱۰۰ هزار نفر
-	مرند	۵/۳۶	۷۴۴۶	کشکسرای	۵-۱۰ هزار نفر
مرکز منظومه	مرند	۶/۷۰	۹۳۲۰	یامچی	زیر ۵ هزار نفر
-	مرند	۳/۱۹	۴۴۳۰	بناب جدید	
-	مرند	۲/۱۵	۲۹۹۵	زنوز	
-	-	۱۰۰	۱۳۹۰۳۲	کل	

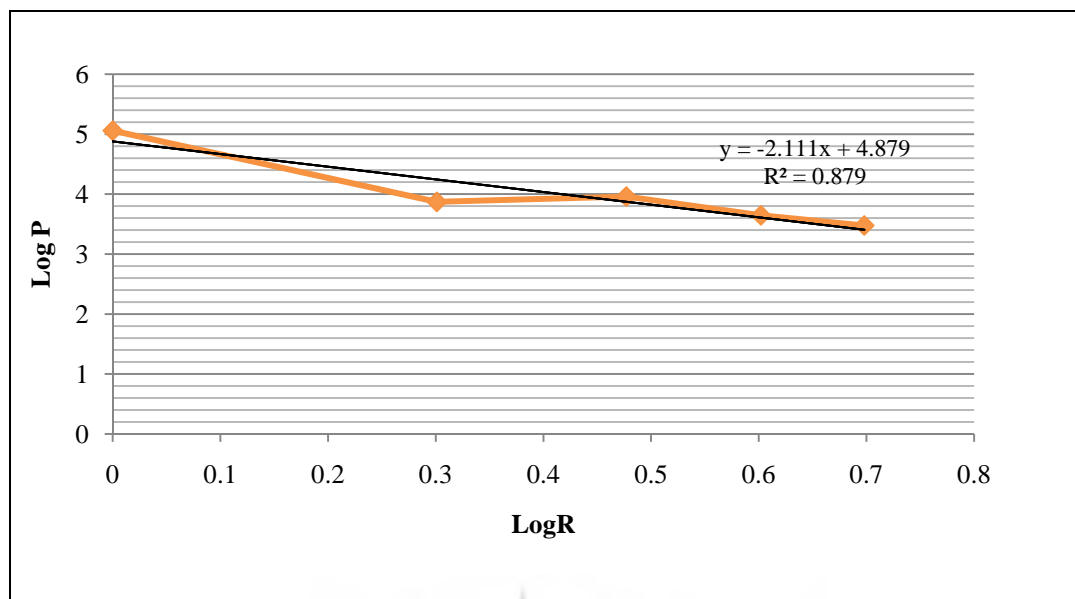
منبع: نگارندگان، مرکز آمار ایران

همچنان که در شکل (۳) مشاهده می‌شود و نتیجه‌ای که شیب خط رگرسیون نشان می‌دهد، در شبکه‌ی شهری شهرستان مرند، به‌ویژه در رتبه‌های میانی، تعادلی وجود ندارد، به‌عبارتی نبود شهرهای حدّ وسط بین شهر نخست و شهرهای موجود در شهرستان، بر شدت عدم تعادل در شبکه‌ی شهری افزوده است، تسلط نخست‌شهری که در کشور و استان آذربایجان شرقی حاکم است با شدت بیشتر در شهرستان مرند نیز وجود دارد. در توسعه‌ی فضایی شهرستان توجّه به شبکه‌ی شهری متعادل ضروری است، سرمایه‌گذاری در شهرهای کوچک و روستا شهرها، می‌تواند باعث تغییر مقصد مهاجرت از شهر مرند به این شهرهای کوچک شود، در نتیجه از رشد سریع شهر مرند که فاصله‌ی جمعیتی زیادی با شهرهای دیگر شهرستان دارد، جلوگیری کند.

جدول ۳. لگاریتم مرتبه - اندازه‌ی شهرهای شهرستان مرند (در سال ۱۳۸۵)

شهر	مرتبه	جمعیت موجود	LogR(x)	LogP(y)
مرند	۱	۱۱۴۸۴۱	۰	۵/۰۶
یامچی	۲	۹۳۲۰	-۰/۳۰۱	۳/۸۷
کشکسرای	۳	۷۴۴۶	-۰/۴۷۷	۳/۹۶
بناب جدید	۴	۴۴۳۰	-۰/۶۰۲	۳/۶۴۶
زنوز	۵	۲۹۹۵	-۰/۶۹۸	۳/۴۷۶

منبع: نگارندگان



شکل ۳. نمودار وضع موجود سلسله‌مراتب شهری و وضع به‌دست آمده از قانون رتبه - اندازه (در سال ۱۳۸۵)

با در نظر گرفتن شهرهای موجود (۵ شهر) و روستاهایی که احتمالاً در آینده شهر به‌شمار خواهند آمد (۲ روستا)، تعداد شهرهای شهرستان مرند به ۷ شهر افزایش خواهد یافت و با پیش‌بینی تقریبی جمعیت سلسله‌مراتب نقاط شهری تا سال ۱۴۱۰ به شرح جدول شماره (۴) خواهد بود که نشان می‌دهد با نرخ رشد فعلی، بر شدت تسلط نخست‌شهری در شهرستان مرند افزوده خواهد شد. با ایجاد صنایع کوچک و کارگاهی در شهرهای دیگر این شهرستان، می‌توان از تمرکززدایی بخش‌های اداری و خدماتی و همانند این‌ها و همچنین از شدت تسلط شهر مرند، در شهرستان مرند کاست.

جدول ۴. پیش‌بینی سلسله‌مراتب نظام شهری شهرستان مرند تا سال ۱۴۱۰

طبقه‌ی جمعیتی	نام شهر	جمعیت واقعی		جمعیت بر اساس مدل قانون رتبه - اندازه	کمبود بر اساس مدل قانون رتبه - اندازه
		تعداد	درصد		
بیشتر از ۱۰۰ هزار نفر	مرند	۱۶۲۵۷۲	۸۰/۳۳	۱۶۲۵۷۲	۰
۱۰۰ - ۱۰ هزار نفر	یامچی	۱۲۲۵۲	۶/۰۵	۸۱۲۸۶	-۶۹۰۳۴
	کشکسرای	۱۰۰۳۳	۴/۹۶	۵۴۱۹۰	-۴۴۱۵۷
۱۰ - ۵ هزار نفر جمعیت	بناب جدید	۵۵۴۲	۲/۷۴	۴۰۶۴۳	-۳۵۱۰۱
	دیزج حسین بیگ	۵۴۶۱	۲/۷۰	۳۲۵۱۴	-۲۷۰۵۳
زیر ۵ هزار نفر جمعیت	زنوز	۳۹۳۷	۱/۹۵	۲۷۰۹۵	-۲۳۱۵۸
	یکان کهریز	۲۵۸۵	۱/۲۸	۲۳۲۲۴	-۲۰۶۳۹
کل		۲۶۲۸۸۷	۱۰۰	-	-

منبع: نگارنده

بر اساس نتایج آمار نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵، شهر مرند ۷۱۳۹۴ نفر جمعیت داشته است. این در حالی است که جمعیت این شهر در سال ۱۳۷۵ به ۹۶۳۹۶ نفر افزایش پیدا کرده است. نرخ رشد جمعیت در این دهه ۳/۰۴ بوده است.

جمعیت این شهر در سال ۱۳۸۵ بر اساس آخرین آمار رسمی ۱۱۴۸۴۱ نفر بوده است. در این دوره (۱۳۷۵-۱۳۸۵)، نرخ رشد جمعیت برای شهر مرند ۱/۷۶ درصد محاسبه شده است. با توجه به جدول شماره (۵) مشاهده می‌شود که شهر مرند در سال ۱۳۷۵ نزدیک به ۴۲ درصد از جمعیت شهرستان و ۴۴ درصد از خانوارهای شهرستان را به خود اختصاص داده است؛ همین بررسی در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که نزدیک به ۵۰ درصد جمعیت و خانوار کل شهرستان به این شهر تعلق دارد. بررسی جمعیت و خانوار شهر زنوز در سال ۱۳۷۵ نسبت به کل شهرستان، بیانگر سهم ۱/۵ درصدی این شهر است؛ همین بررسی در سال ۱۳۸۵ نشان از سهم ۱/۲ درصدی جمعیت این شهر و ۱/۴ درصدی خانوار نسبت به کل شهرستان دارد. جمعیت شهر کشکسرای در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ نسبت به جمعیت کل شهرستان برابر ۳/۲۱ درصد بوده و تغییری نکرده است. بُعد خانوار در کشکسرای، در سال ۱۳۵۵ حدود ۵/۳ نفر و در سال ۱۳۶۵ با ۱۲۷۳ خانوار، ۵/۳۷ نفر و در سال ۱۳۷۵ با ۱۴۸۱ خانوار، ۴/۸۵ نفر بوده است که نشان می‌دهد بُعد خانوار در این شهر در حال کاهش بوده است. تعداد خانوار این شهر نسبت به کل شهرستان در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ برابر ۳/۱۵ درصد است. در سال ۱۳۸۵، جمعیت شهر یامچی به نرخ رشد ۰/۳۵ درصد طی ده سال (۸۵-۱۳۷۵) به ۹۳۲۰ نفر افزایش یافت و در همین سال تعداد خانوار برابر ۱۸۱۲ بوده است. سهم این شهر از جمعیت کلی شهرستان در سال ۱۳۸۵ برابر ۳/۸۹ درصد و تعداد خانوار برابر ۴/۰۲ درصد است. آخرین شهر مورد بررسی شهر بناب جدید است که در سال ۱۳۷۵ جمعیتی معادل ۵۰۵۶ نفر و تعداد خانواری معادل ۱۱۸۹ دارد که نسبت به کل شهرستان، سهمی برابر ۲/۲۵ درصد را به لحاظ جمعیتی و ۲/۵۳ درصدی را به لحاظ تعداد خانوار دارد. جمعیت این شهر با نرخ رشدی برابر ۱/۳۱- درصد، در سال ۱۳۸۵ به ۴۴۳۰ نفر کاهش یافته است و تعداد خانوارهای این شهر نیز در این دهه به ۱۲۳۶ رسیده است که نسبت به شهرستان مرند سهمی برابر ۲/۰۹ درصد را شامل می‌شود. به‌طور کلی از میان پنج شهر موجود در شهرستان مرند، شهرهای مرند، کشکسرای و یامچی هم در بُعد خانوار و هم در بُعد جمعیت، نرخ رشد مثبتی دارند؛ اما شهرهای زنوز و بناب جدید با وجود نرخ رشد مثبت در بُعد خانوار، در بُعد جمعیت نرخ رشد منفی دارند.

جدول ۵. تعداد و نرخ رشد جمعیت و خانوارهای ساکن در مناطق شهری، شهرستان مرند طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵

نرخ رشد جمعیت	نرخ رشد خانوار	سال ۱۳۷۵				سال ۱۳۸۵				نام شهر
		نسبت به شهرستان	جمعیت	نسبت به شهرستان	خانوار	نسبت به شهرستان	جمعیت	نسبت به شهرستان	خانوار	
۱/۷۷	۳/۷	۴۲/۹۷	۹۶۳۹۶	۴۴/۱۹	۲۰۷۸۵	۴۹/۴۹	۱۱۴۸۴۱	۵۰/۳۴	۲۹۷۶۴	مرند
-۱/۵۵	۰/۱	۱/۵۶	۳۵۰۰	۱/۷۵	۸۲۳	۱/۲۹	۲۹۹۵	۱/۴۰	۸۲۹	زنوز
۰/۳۵	۲/۳	۳/۲۱	۷۱۱۹	۳/۱۵	۱۴۸۱	۳/۲۱	۷۴۴۶	۳/۱۴	۱۸۵۹	کشکسرای
-۱/۳۱	۰/۴	۲/۲۵	۵۰۵۶	۲/۵۳	۱۱۸۹	۱/۹۱	۴۴۳۰	۲/۰۹	۱۲۳۶	بناب جدید
۰/۳۵	۲/۴	۴/۰۱	۸۹۹۶	۳/۸۵	۱۸۱۲	۴/۰۲	۹۳۲۰	۳/۸۹	۲۳۰۱	یامچی
۲/۳۱	۰/۳۳	۱۰۰/۰۰	۲۲۴۳۴۴	۱۰۰/۰۰	۴۷۰۳۴	۱۰۰/۰۰	۲۳۲۰۶۷	۱۰۰/۰۰	۵۹۱۲۵	شهرستان مرند

منبع. مرکز آمار ایران

ضریب کشش پذیری

این مدل شاخصی است که با آن می‌توان درصد جمعیت شهری را در مقابل کل جمعیت منطقه یا کشور ارزیابی کرد (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۸۵، ۲۰۸). به‌گفته‌ی دیگر با کاربرد این شاخص می‌توان، میزان کشش و انعطاف‌پذیری جمعیت کانون‌های شهری را در یک منطقه و همچنین نسبت به کل منطقه، محاسبه و تحلیل کرد. همچنین این شاخص، یکی از مؤلفه‌های قابل سنجش در گرایش‌های موجود فضایی مناطق در سطح کشور و مقایسه‌ی آنها با یکدیگر به‌شمار می‌رود (فنی، ۱۳۸۲، ۱۰۷). مطالعه‌ی این مدل در مورد شهرهای شهرستان مرند، نشان از توان جمعیت‌پذیری بسیار بالای شهر مرند نسبت به دیگر شهرها دارد، به‌گونه‌ای که در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵، تنها شهر مرند ظرفیت جمعیت‌پذیری دارد؛ در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، شهرهای کوچک شهرستان، مانند کشکسرای و یامچی نیز ضریب کشش‌پذیری بالایی یک دارند و این نشان‌دهنده‌ی مهاجرپذیری این شهرهاست؛ اما همچنان شهر مرند از نرخ بالایی کشش‌پذیری برخوردار است. همچنان که در جدول شماره (۶) نشان داده شده است، با وجود عدم سرمایه‌گذاری و ایجاد صنایع کارگاهی و تبدیلی در شهرهای کوچک شهرستان مرند، در چند مورد از ضریب کشش‌پذیری مثبت برخوردار هستند که نشان‌دهنده‌ی توان بالای این شهرهاست که با ایجاد امکانات و تسهیلات خدماتی - اداری و مانند این‌ها که بتواند، نیاز ساکنان این شهرها و حوزه‌ی پیرامونی آنها را برآورده کند، از شدت مهاجرت به شهر مرند و حتی سایر شهرهای خارج از شهرستان مرند کاسته می‌شود. جمعیت‌پذیری این شهرهای کوچک، موجب ایجاد برابری در نظام سکونتگاهی شهرستان مرند خواهد شد که در حالت کنونی نابرابری بالایی دارد.

جدول ۶. نرخ رشد جمعیت شهری و ضریب کشش پذیری شهرهای شهرستان مرند (در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۶۵)

سال	نرخ رشد جمعیت شهری		ضریب کشش پذیری	
	۱۳۶۵-۱۳۷۵	۱۳۷۵-۱۳۸۵	۱۳۶۵-۱۳۷۶	۱۳۷۵-۱۳۸۶
مرند	۳/۰۵	۱/۷۷	۲/۰۸	۵/۲۱
زنوز	-۱/۲۰	-۱/۵۵	-۰/۸۲	-۴/۵۶
کشکسرای	۰/۵۰	۰/۳۵	۰/۳۴	۱/۰۳
بناب جدید	۰/۰۰	-۱/۳۱	۰/۰۰	-۳/۸۷
یامچی	۰/۸۱	۰/۳۵	۰/۵۵	۱/۰۵
شهرستان مرند	۰/۳۴	۲/۶۵	-۰/۲۳	۷/۸۰

منبع: نگارندگان

مهاجرت شهر مرند

تعداد مهاجران وارد شده به شهر مرند در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ برابر با ۱۸۶۴۰ نفر است. در این بخش به‌علت نداشتن آمار تعداد مهاجران خارج شده، برای به‌دست آوردن نرخ خالص مهاجرت، نخست نرخ رشد طبیعی جمعیت را که تنها حاصل از میزان مرگ‌ومیر و زاد و ولد است، محاسبه می‌کنیم. برای این کار، نرخ خالص مهاجرت شهر را که در بالا محاسبه شده به تعداد کل جمعیت استان در سال ۱۳۷۵ اضافه کرده و در نتیجه، جمعیت استان آذربایجان شرقی در سال

۱۳۸۵ بدون در نظر گرفتن مهاجران خارج شده و وارد شده در ده سال گذشته به دست می‌آید؛ بنابراین با استفاده از فرمول رشد، نرخ رشد طبیعی دوره‌ی ده‌ساله‌ی ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ برابر با ۳/۰۴ درصد محاسبه می‌شود. با فرض یکسان بودن نرخ رشد طبیعی شهر، در آخر، جمعیت موجود در سال ۱۳۸۵ را منهای جمعیت پیش‌بینی‌شده‌ی حاصل از فرمول رشد کرده و رقم به دست آمده، نرخ خالص مهاجرت هر شهر را نشان می‌دهد که منفی بودن آن گویای مهاجرت فرست‌بودن و مثبت بودن آن گویای مهاجرت پذیربودن آن شهر است. بنا بر این محاسبه‌ها، نرخ خالص مهاجرت شهر مرنند برابر ۳۴۲۹ نفر است و به این معنی است که شهر مرنند در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ مهاجرت پذیر بوده است (جدول ۷). در مقابل شهرستان مرنند، مهاجرت فرست بوده که بیشتر شامل مهاجرت روستایی شهرستان به شهرها، به‌ویژه شهر مرنند بوده است. همان‌طور که در بالا توضیح داده شد، با تقویت شهرهای کوچک و روستا شهرها می‌توان از شدت منفی نرخ مهاجرت جمعیت شهرستان به شهر مرنند و دیگر شهرهای خارج از شهرستان - که بیشتر مقصد شهر تبریز است - جلوگیری کرد.

جدول ۷. تعداد مهاجران وارد شده و نرخ خالص مهاجرت شهر مرنند (در سال‌های ۸۵-۱۳۷۵)

نام شهر	مهاجران وارد شده	مهاجران خارج شده	نرخ خالص مهاجرت
شهرستان	۳۰۶۷۷	۴۶۴۲۵	-۱۵۷۴۸
مرند	۱۸۶۴۰	۱۵۲۱۱	۳۴۲۹

منبع. نگارندگان

ارزیابی عملکرد اقتصادی شهر مرنند در سطح شهرستان

مرکز آمار ایران، جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر را به دو بخش فعال و غیرفعال تقسیم کرده است. جمعیت فعال نیز، خود به دو بخش فعال شاغل و فعال بیکار تقسیم شده است. بر این اساس، از جمعیت ۱۱۴۸۴۱ نفری مرنند در سال ۱۳۸۵، تعداد ۹۸۳۳۵ نفر (۸۵/۶۲ درصد) جمعیت در سن فعالیت اقتصادی و بقیه، جمعیت زیر سن فعالیت اقتصادی بوده‌اند. به عبارت دیگر، حدود ۸۵/۶۲ درصد جمعیت شهر مرنند به صورت بالقوه، عرضه‌کننده‌ی نیروی کار در بازار (جمعیت فعال اقتصادی) هستند. این میزان از جمعیت در سن کار برابر ۴۹/۴۵ درصد از جمعیت در سن کار شهرستان مرنند است که نشان از سهم بالای این شهر در نیروی کار شهرستان دارد؛ بنابراین از کل جمعیت شهر مرنند در سال ۱۳۸۵ که برابر با ۱۱۴۸۴۱ نفر بوده است، تعداد ۳۹۲۹۶ نفر (برابر ۳۴/۲ درصد) فعال بوده و بقیه غیرفعال هستند. سهم شهر مرنند از جمعیت فعال شهرستان، برابر ۴۷/۷۶ درصد است. بر اساس این تقسیم‌بندی از ۳۹۲۹۶ نفر نیروی فعال اقتصادی، ۳۵۰۴۶ نفر (معادل ۸۹/۱۸ درصد) شاغل بوده‌اند که این رقم نشان‌دهنده‌ی وضعیت خوب اشتغال در شهر مرنند است. تعداد شاغلین این شهر در قیاس با شهرستان، درصدی معادل ۴۷/۲۹ را شامل می‌شود که رقم بسیار بالایی است و تأثیر زیاد این شهر را در سطح شهرستان نشان می‌دهد. همچنین تعداد بیکاران این شهر در سال ۱۳۸۵، برابر ۴۲۵۰ نفر بوده که ۵۲ درصد از بیکاران شهرستان را تشکیل می‌دهد. نرخ بیکاری در بین مردان ۷/۷۵ درصد و برای زنان ۲۴/۵۸ درصد است. از تعداد ۵۸۳۴۴ نفر جمعیت غیرفعال در شهر مرنند ۲۸/۴۴ درصد دانش‌آموز، ۴۴/۲۱ درصد خانه‌دار و ۷/۶ درصد نیز دارای درآمد

بدون کار بوده‌اند. بار تکفل شهر مرند در سال ۱۳۸۵، حدود ۲/۲۷ نفر بود، به عبارت دیگر، در این سال هر فرد می‌بایست علاوه بر هزینه‌ی خود، هزینه‌های ۲/۲۷ نفر دیگر را نیز تأمین کند (مرکز آمار ایران).

جدول ۸. وضعیت اشتغال و فعالیت در شهر مرند (در سال ۱۳۸۵)

اظهار نشده	جمعیت غیر فعال				جمعیت فعال			جمع	مرند	
	سایر	خانه‌دار	دارای درآمد بدون کار	دانش‌آموز	جمع	بیکار	شاغل			
۶۹۵	۵۶۴۸	۲۵۷۹۵	۴۴۳۹	۲۲۴۶۲	۵۸۳۴۴	۴۲۵۰	۳۵۰۴۶	۳۹۲۹۶	۹۸۳۳۵	شهر مرند
۱۳۹۷	۱۲۶۳۵	۵۳۲۶۷	۷۹۸۸	۴۱۲۹۸	۱۱۵۱۱۸	۸۱۷۳	۷۴۱۰۳	۸۲۲۷۶	۱۹۸۸۶۱	شهرستان مرند
۴۹/۷۵	۴۴/۷۰	۴۸/۴۳	۵۵/۵۷	۵۴/۳۹	۵۰/۶۵	۵۲	۴۷/۲۹	۴۷/۷۶	۴۹/۴۵	نسبت شهر به شهرستان

منبع: مرکز آمار ایران

اوضاع کلی اقتصادی شهر، تعداد شاغلان در هر یک از بخش‌های اقتصادی

ساختار اقتصادی هر مکانی از سه بخش تشکیل شده است. این سه بخش عبارت‌اند از خدمات، کشاورزی و صنعت. در سال ۱۳۸۵ از کل شاغلان شهر مرند، ۵۵ درصد در بخش خدمات، ۶ درصد در بخش کشاورزی و ۳۸ درصد در بخش صنایع مشغول به کار بوده‌اند.

جدول ۹. تعداد شاغلان در بخش‌های مختلف اقتصادی شهر مرند (در سال ۱۳۷۵)

عنوان	کشاورزی	صنعت	خدمات	جمع
شهر مرند	۱۴۶۲	۹۱۲۴	۱۳۲۳۹	۲۳۸۲۵
شهرستان مرند	۱۶۷۳۷	۲۲۱۱۸	۱۹۴۱۶	۵۸۶۰۶
درصد به کل شهر	۶/۱۴	۳۸/۳۰	۵۵/۵۷	۱۰۰/۰۰
نسبت به شهرستان	۸/۷۴	۴۱/۲۵	۶۸/۱۹	۴۰/۶۵

منبع: مرکز آمار ایران

بخش کشاورزی

به‌طور کلی، کشاورزی و فعالیت‌های وابسته، در اقتصاد شهر مرند نقش و جایگاه ویژه‌ای دارد. این بخش اقتصادی، در سال ۱۳۸۵ حدود ۶ درصد از کل مشاغل شهر مرند را تشکیل می‌داده است، هرچند در گذر زمان با گسترش شهر و افزایش نقش مرکزیت آن و افزایش ویژگی‌های شهری و تمایل بیشتر برای شهرنشینی، از جایگاه کشاورزی اندکی کاسته شده، اما هنوز این بخش از بخش‌های فعال و مهم اقتصادی در شهر مرند است. فعالیت کشاورزی شهرها بیشتر

بر فعالیت‌های مبتنی بر زمین، به‌ویژه، باغداری استوار است. در شهر مرنده، با وجود کشاورزی پُرونیق، کارگاه‌های کشاورزی چندان مطرحی وجود ندارد و حتی دفاتر و شرکت‌های تعاونی کشاورزی چندان فعالی نیست. در واقع، قرارگیری شهر مرنده در یک ناحیه‌ی کشاورزی، باید نقش دوسویه داشته باشد؛ یعنی از یک سو، محصولات و تولیدات شهرستان وارد شهر و از آن‌جا به مناطق دیگر منتقل شود و از سوی دیگر، نیازهای خدماتی و اداری مورد نیاز بخش کشاورزی شهرستان مرنده را برآورده سازد، نبود چنین زیرساختارهایی، نقش شهر میانی مرنده را کاهش داده است با ایجاد این زیرساختارها و امکانات لازم، می‌توان بر نقش مثبت شهر مرنده در شهرستان مرنده افزود.

بخش صنعت

بخش صنعت از چهار بخش اصلی تشکیل شده است که عبارت‌اند از استخراج معادن، صنعت ساخت، آب و برق و گاز و ساختمان. پس از بخش خدمات، این بخش از فعالیت‌های شهر مرنده، دومین بخش اصلی تأمین اشتغال و درآمد ساکنان شهر در سال ۱۳۸۵ بوده است. بخش صنعت با ۹۱۲۴ نفر شاغل، ۳۸ درصد از کل مشاغل شهر مرنده را به‌خود اختصاص داده بود. بررسی ترکیب داخلی بخش صنایع و معادن شهر مرنده در سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که ۷۱ درصد از کل مشاغل مربوط به صنعت ساخت و پس از آن، ساختمان با ۲۵ درصد قرار دارد. بررسی وضعیت زیربخش‌های صنایع و معادن شهر مرنده به لحاظ میزان و نقش در اشتغال‌زایی نشان می‌دهد که عمده‌ی اشتغال‌زایی و افزایش نقش فعالیت‌های این بخش مربوط به گروه فعالیت‌ی صنعت ساخت است.

جدول ۱۰. ترکیب داخلی بخش صنایع شهر مرنده (در سال ۱۳۸۵)

نوع شغل	استخراج معادن	صنعت ساخت	آب و برق و گاز	ساختمان	جمع
تعداد شاغلان به نفر	۱۳۶	۶۵۲۸	۱۶۷	۲۲۹۳	۹۱۲۴
درصد	۱/۴۹	۷۱/۵۵	۱/۸۳	۲۵/۱۳	۱۰۰

منبع: مرکز آمار ایران

بخش خدمات

بخش خدمات خود از نه زیر بخش تشکیل شده است که عبارت‌اند از: عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، هتل و رستوران، حمل‌ونقل و انبارداری، واسطه‌گری‌های مالی، خدمات اجاره و مستغلات، خدمات امور عمومی و رفاهی، آموزش بهداشت و خدمات دیگر. این بخش از فعالیت‌های شهر مرنده با اختصاص ۵۵ درصد از کل شاغلان شهر، نقش اساسی در ساختار اقتصادی و اشتغال آن دارد. بررسی ترکیب بخش خدمات نشان می‌دهد که عمده‌فروشی و خرده‌فروشی با ۴۳۹۶ نفر شاغل و ۳۳ درصد از کل شاغلان بخش خدمات و آموزش با ۳۲۴۷ نفر شاغل و ۲۴ درصد از کل شاغلان بخش خدمات، بیشترین نقش را در ساختار شغلی بخش خدمات شهر مرنده دارند. به‌طور کلی، بخش خدمات در شهر مرنده با داشتن ۱۳۲۳۹ نفر شاغل، ۵۵ درصد از کل شاغلان را به‌خود اختصاص داده است و این امر نشان‌دهنده‌ی نقش غالب خدمات در ساختار اقتصادی و اشتغال شهر مرنده است.

جدول ۱۱. ترکیب داخلی بخش خدمات شهر مرند (در سال ۱۳۸۵)

نوع اشتغال	۱۳۸۵	
	تعداد	درصد
عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	۳۳/۲	۴۲۹۶
هتل و رستوران	۱/۴۶	۱۹۳
حمل و نقل و انبارداری	۱۴/۱۹	۱۸۷۸
واسطه‌گری مالی	۱/۶۵	۲۱۸
مستغلات اجاره و کسب‌وکار	۱/۳۹	۱۸۴
امور عمومی و رفاهی	۱۵/۷۵	۲۰۸۵
آموزش	۲۴/۵۳	۳۲۴۷
بهداشت و مددکاری اجتماعی	۴/۰۹	۵۴۲
فعالیت‌های اجتماعی دیگر	۲/۶۱	۳۴۵
خانوارهای معمولی با مستخدم	۰/۰۵	۷
سازمان‌های برون‌مرزی	۰	۰
دفاتر مرکزی	۰/۱۹	۲۵
اظهار نشده	۰/۰۹	۱۱۹
جمع	۱۰۰	۱۳۲۳۹

منبع: مرکز آمار ایران

بررسی ترکیب داخلی بخش خدمات در سال ۱۳۸۵، نشان می‌دهد که امور عمومی و رفاهی با ۱۵ درصد بعد از عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و آموزش، بیشترین نقش را در ساختار اشتغال بخش خدمات داشته است. حمل و نقل و انبارداری یکی دیگر از زیربخش‌های خدمات است، این گروه ۱۴ درصد از کل شاغلان بخش خدمات را تشکیل می‌دهند. واسطه‌گری مالی نیز با ۱/۴۶ درصد، جایگاه مناسبی در ارائه‌ی این نوع خدمات دارد. ۰/۱۹ درصد کل شاغلان شهر مرند در فعالیت‌های مالی اشتغال دارند، این فعالیت‌ها بیشتر به شعب بانک‌های مختلف محدود می‌شوند. از نظر خدمات اجاره و مستغلات و غیره، و نیز خدمات عمومی، بیشتر کارگاه‌ها، تحت پوشش بخش عمومی بوده و مربوط به اداره‌های متعدد دولتی از جمله فرمانداری، شهرداری و... هستند. در گروه آموزشی، ۳۲۴۷ نفر در شهر مرند مشغول فعالیت هستند. بهداشت و مددکاری اجتماعی از دیگر بخش‌های خدماتی شهر مرند است که ۵۴۲ نفر شاغل دارد. این گروه فعالیت‌ی ۴ درصد کل شاغلان بخش مرند را به خود اختصاص داده‌اند.

بررسی وضعیت بخش‌های اقتصادی شهر مرند و مقایسه‌ی آن با شهرستان

ضریب مکانی^۱ یا اقتصاد پایه

ضریب مکانی، یکی از نظریه‌های شناخته‌شده‌ی رشد اقتصاد پایه است که برای شناسایی و مطالعه‌ی بخش‌های پایه و

1. Location Quotient

غیرپایه در مناطق مختلف به کار می‌رود. معمولاً، نسبت میان اشتغال غیرپایه به اشتغال پایه را "نسبت اقتصاد پایه" می‌گویند. بررسی این شاخص در هر بخش اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) در سطح شهر، پایه‌بودن یکی از این بخش‌ها را در سطح شهرستان نشان می‌دهد (زیوری، ۱۳۷۸، ۱۷۶). این گونه می‌توان سهم و وزن اشتغال در بخش i در اشتغال کل شهرستان را با سهم و وزن اشتغال در بخش i استان مقایسه کرد. در این روش، ضریب مکانی بیش از یک ($LQ > 1$) نشان می‌دهد که بخش i در کل اشتغال شهر، وزنی بیش از وزن اشتغال در بخش i استان دارد و سهمی از تولیدات آن به خارج از شهر صادر می‌شود. با بررسی این مدل، مشخص شد که بخش کشاورزی شهر مرند در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ در سطح منطقه، جزء بخش‌های پایه شمرده نمی‌شود و در صادرات منطقه نقش چندانی نداشته است ($LQ < 1$)؛ اما بخش صنعت شهر مرند در سال ۱۳۷۵، در سطح شهرستان، شرایط پایه داشته و در صورت تداوم این شرایط و ایجاد توانایی‌های بیشتر اقتصادی در این بخش، در آینده می‌تواند در گسترش صادرات در سطح منطقه، نقش بسیار اساسی داشته باشد؛ ولی این ضریب در سال ۱۳۸۵ کاهش داشته است، شهر مرند به دلیل قرارگیری در فاصله‌ی نزدیک به کلانشهر تبریز، کم‌کم نقش صنعتی خود را (به سبب صرفه‌جویی ناشی از مقیاس و حاکم بودن سیاست تمرکزگرایی در کشور) از دست داده است. در واقع، سرمایه‌گذاری‌های صنعتی بیشتر در حوزه‌ی کلانشهر تبریز صورت می‌گیرد و اشتغال در این بخش، کم‌کم از حالت پایه‌ای به غیرپایه‌ای تبدیل خواهد شد ($LQ < 1$). بخش خدمات در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ جزء بخش‌های پایه محسوب می‌شود. در واقع نقش بخش خدمات در شهر مرند با گذشت زمان بیشتر شده است. به‌طور کلی شهر مرند، ابتدا نقش کشاورزی داشته که با ورود صنعت و ماشینی‌شدن بخش کشاورزی، کم‌کم از نقش کشاورزی آن کاسته شده و نقش خدماتی آن افزایش یافته است.

جدول ۱۲. مدل ضریب مکانی در شهر مرند (در سال ۱۳۷۵ - ۱۳۸۵)

LQ	بخش	سال		
		کل اشتغال	شهرستان مرند	
۰/۲	کشاورزی	۵۷۷۱۸	شهرستان مرند	۱۳۷۵
	شهر مرند	۱۵۷۱۱	شهرستان مرند	
۰/۲۱	کشاورزی	۵۸۶۰۶	شهرستان مرند	۱۳۸۵
	شهر مرند	۲۳۸۲۵	شهرستان مرند	
۱/۳۴	صنعت	۵۷۷۱۸	شهرستان مرند	۱۳۷۵
	شهر مرند	۱۵۷۱۱	شهرستان مرند	
۱/۰۱	صنعت	۵۸۶۰۶	شهرستان مرند	۱۳۸۵
	شهر مرند	۲۳۸۲۵	شهرستان مرند	
۱/۵۱	خدمات	۵۷۷۱۸	شهرستان مرند	۱۳۷۵
	شهر مرند	۱۵۷۱۱	شهرستان مرند	
۱/۶۶	خدمات	۵۸۶۰۶	شهرستان مرند	۱۳۸۵
	شهر مرند	۲۳۸۲۵	شهرستان مرند	

منبع: نگارندگان، بر اساس سالنامه‌ی آماری استان

مدل تغییر سهم در شهر مرند و شهرستان مرند

به‌طور کلی این تحلیل، شیوه‌ای است که تلاش می‌کند، برخی از عوامل مرتبط با اختلاف رشد و در نتیجه، اختلاف در امکانات اشتغال مناطق یا مراکز محلی (شهرهای متوسط) را تعیین کند. در اینجا از این روش برای ارزیابی کلان نقش اشتغالی شهر مورد مطالعه، در ساختار کلان اشتغالی منطقه (شهرستان) استفاده شده و در بررسی و سنجش تفاوت‌های کلی میان منطقه‌ای و درون منطقه‌ای، به‌ویژه رشد اشتغال بخشی سودمند است (زیاری، ۱۳۸۰، ۹۳). روش تغییر سهم، تفاوت رشد بخش‌های اقتصادی شهر را با رشد بخش‌هایی در سطح اقتصاد مرجع بررسی می‌کند. این تفاوت که ممکن است مثبت یا منفی باشد، بیانگر تغییر مکان یا جابه‌جایی سهم اقتصاد شهر در اقتصاد مرجع است.

با توجه به جدول مذکور می‌توان به این نتیجه رسید که رشد اقتصاد مرجع (شهرستان) در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ برابر ۰/۰۲ بوده است. بررسی تفصیلی تفکیکی بخش‌ها نشان می‌دهد که بخش کشاورزی در دهه‌ی مذکور، در سطح شهرستان کاهش اشتغال و در بخش محلی افزایش اشتغال داشته است (ضریب B منفی و ضریب C مثبت)، این بخش برنده‌ی مختلط اقتصادی است. بخش معدن، هم در سطح شهرستان و هم در سطح محلی، افزایش اشتغال داشته (ضرایب B و C مثبت)، این بخش برنده‌ی اقتصادی است. بخش صنعت و ساخت در سطح استان و شهرستان افزایش اشتغال داشته، ضرایب شهرستان و شهر مثبت بوده، پس این بخش، برنده‌ی اقتصادی است. در بخش تأمین برق، آب و گاز در سطح شهرستان، کاهش اشتغال و در سطح محلی افزایش اشتغال وجود داشته و ضریب شهرستان منفی و ضریب محلی مثبت بوده و این بخش برنده‌ی مختلط اقتصادی است. همچنین بخش ساختمان چه در سطح شهرستان و چه در سطح محلی کاهش اشتغال داشته (ضریب B منفی و C مثبت)، این بخش برنده‌ی مختلط اقتصادی است. بخش عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و تعمیر در هر دو سطح افزایش اشتغال داشته‌اند (ضرایب B و C مثبت)، این بخش برنده‌ی اقتصادی است. بخش حمل و نقل و ارتباطات در سطح شهرستان کاهش اشتغال و در بخش محلی افزایش اشتغال داشته (ضریب B منفی و ضریب C مثبت) و این بخش برنده‌ی مختلط اقتصادی است. بخش خدمات مالی و بیمه در هر دو سطح افزایش اشتغال داشته (ضرایب B و C مثبت)، این بخش برنده‌ی اقتصادی است. بخش خدمات عمومی و اجتماعی کاهش اشتغال داشته، ضریب شهرستان منفی و ضریب محلی مثبت هستند، این بخش برنده‌ی مختلط اقتصادی است. در کل می‌توان گفت، شهر مرند در تمامی بخش‌ها نقش زیادی در رشد اشتغال شهرستان داشته است. این موضوع در بخش‌های خدماتی چشمگیرتر است. با توجه به نتایج به‌دست آمده از الگوهای ضریب مکانی و الگوی تغییر سهم شهر مرند در بیشتر بخش‌های اقتصادی، می‌توان چنین دریافت که میزان بالای رشد متوسط این بخش‌ها در شهر مرند، در کوتاه‌مدت، موجب افزایش میزان رشد ناحیه‌ای می‌شود، ولی در درازمدت با افزایش تمرکز اشتغال در شهر مرند، موجب انگلی شدن نقش این شهر در ناحیه می‌شود. درآمد و نیروی کار، در شهر مرند متمرکز می‌شود و شهر و روستاهای دیگر شهرستان، کم‌کم در کشش جمعیت و اشتغال ناتوان خواهند شد و به خالی شدن روستاهای شهرستان منجر می‌شود که باعث کاهش بازده بخش کشاورزی در منطقه می‌شود و در درازمدت بر شهر مرند نیز، اثر منفی خواهد گذاشت.

جدول ۱۳. میزان تغییرات اشتغال شهر و شهرستان مرند در دو دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۵

سال	شهرستان ۱۳۷۵	شهر ۱۳۷۵	شهرستان ۱۳۸۵	شهر ۱۳۸۵	A	B	C	تغییرات اشتغال
کشاورزی و شکار و جنگلداری ماهیگیری	۲۰۴۵۲	۱۱۲۷	۱۶۷۳۷	۱۴۶۲	-۰/۰۲	-۰/۲۰	۰/۴۸	۰/۷۸
استخراج معادن	۳	-	۲۰۹	۱۳۶	-۰/۰۲	۶۸/۶۵	۶۶/۳۳	۲۰/۱/۳۳
صنعت	۷۸۱۳	۲۵۵۸	۱۷۴۱۹	۶۵۲۸	-۰/۰۲	۱/۲۱	۰/۳۲	۱/۸۷
آب و برق و گاز	۱۳۷	۸۴	۲۲۹	۱۶۷	-۰/۰۲	-۰/۰۵	۱/۰۲	۲/۰۱
ساختمان	۵۵۹۷	۲۳۲۵	۴۲۶۱	۲۲۹۳	-۰/۰۲	-۰/۲۵	۰/۲۲	۰/۲۱
عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و رستوران و هتلداری	۴۱۳۰	۲۳۲۰	۶۵۸۴	۴۵۸۹	-۰/۰۲	-۰/۵۸	۰/۳۸	۱/۳۶
حمل و نقل و ارتباطات و انبارداری	۴۱۷۲	۱۰۲۱	۴۰۵۲	۱۸۷۸	-۰/۰۲	-۰/۰۴	۰/۸۷	۱/۷۱
خدمات مالی و بیمه و ملکی و حقوقی و تجاری	۲۶۶	۱۶۴	۵۱۶	۳۴۵	-۰/۰۲	-۰/۹۲	۰/۱۶	۱/۲۷
خدمات عمومی و اجتماعی و شخصی	۱۳۱۶۵	۵۴۳۵	۴۹۹	۳۱۲۰	-۰/۰۲	-۰/۹۸	۰/۵۴	۰/۱۱
غیرقابل طبقه‌بندی	۱۸۸۳	۶۷۷	۳۳۵	۱۱۹	-۰/۰۲	-۰/۸۴	۰/۰۰	-۰/۸۳

منبع: نگارندگان

بررسی حوزه‌ی نفوذ شهر مرند در سطح شهرستان

برای بررسی حوزه‌ی نفوذ شهر از مدل‌های سون‌گلدند (فرید، ۱۳۶۸، ۱۳۷۰)، تئوری نقطه‌ی جدایی (همان، ۱۳۷۴)، تئوری تأثیر متقابل و روش پرسش‌نامه استفاده شده است. سون‌گلدند برای شناخت منطقه‌ی نفوذ شهری، روی خرده‌فروشی و خدماتی که روی ناحیه بازتاب دارند، تأکید می‌کند. وی برای شاخص مرکزیت شهر، کل جمعیت شهر را با تعداد نیروی انسانی فعال جذب‌شده در خرده‌فروشی و خدمات شهر مقایسه می‌کند. عدد به‌دست آمده باید برابر با $3/4$ و برای مرکز ناحیه $6/5$ و بالاتر باشد. با استفاده از این روش و با در نظر گرفتن خرده‌فروشی و خدماتی که می‌تواند در سطح شهرستان تأثیرگذار باشد، عدد به‌دست آمده برای شهر مرند به‌عنوان مرکز ناحیه، برابر با $8/5$ است که نشان می‌دهد این شهر، بخش چشمگیری از خدمات خود را برای حوزه‌ی نفوذ در نظر گرفته است. بر اساس تئوری نقطه‌ی جدایی، محل مرزی مشخص می‌شود که منطقه‌ی تجارت نفوذ دو شهر را از هم جدا می‌کند. در سطح شهرستان، مرند بیشترین حوزه‌ی نفوذ را دارد و در سطح استان نیز، بعد از شهر تبریز بیشترین حوزه‌ی نفوذ در شمال استان است. بر اساس تئوری متقابل که می‌توان رابطه‌ی اقتصادی بین مراکز و شدت و ضعف آنها را تعیین کرد، شهر مرند بیشترین رابطه‌ی اقتصادی را در سطح شهرستان با شهر کوچک یامچی و بعد از آن با شهرهای زنوز، کشکسرای و بناب دارد. در بین مرکز دهستان‌ها بیشترین رابطه را با روستای دولت‌آباد دارد. در سطح استان نیز بیشترین رابطه را با شهر تبریز و بعد از آن با هادیشهر، جلفا، صوفیان و شبستر دارد. برای تعیین حوزه‌های عملکردی و شناخت الگوی مراجعات و شدت جریان‌های خدماتی در محدوده‌ی مورد مطالعه، از روش پرسش‌نامه‌ای استفاده شده است. بر اساس نتایج پرسش‌نامه از ۳۳ روستا و ۳ بخشدار و ۳

اداره مرکزی شهرستان مرند جمع‌آوری شد، بیشترین مراجعات ساکنان این روستاها به شهر مرند برای آموزش، اشتغال، خرید، بهداشت و خدمات اداری - بانکی بوده است. بیشتر ساکنان شهرستان مرند، با وجود شهرهای کوچک در پهنه‌ی شهرستان، ترجیح می‌دهند برای رفع نیازهای خدماتی - بهداشتی (به‌علاوه نبود این امکانات در شهرهای کوچک شهرستان) به شهر مرند مراجعه کنند، برعکس بیشتر تولیدات دامی و کشاورزی شهرستان برای فروش به مرکز شهرستان برده می‌شود. در کل، شهر مرند به‌عنوان مرکز ارائه‌ی خدمات آموزشی، بهداشتی، اداری و... عمل می‌کند و محصولات تولیدی شهرستان‌های دیگر به این شهر برده و از آن‌جا به مراکز بزرگتر، به‌ویژه کلانشهر تبریز صادر می‌شود.

نتیجه‌گیری

امروزه در ساخت شهرها و تعیین اندام جغرافیایی آنها، به تعادل شهر و ناحیه، روابط هماهنگ شهر و روستا، توازن فضایی و تعادل انسان و محیط می‌اندیشند. ایجاد و رویش قارچ‌گونه‌ی شهری با اندام بلند جغرافیایی در نواحی کشور، آن‌جا که روستاها پراکنده و نافرورده هستند و روابط ارگانیکی بین شهر و روستا وجود ندارد، به فروپاشی این تعادل‌ها خواهد انجامید. بایستی برنامه‌ریزی‌ها به پیروی از ویژگی‌های فیزیکی، اقتصادی و انسانی ناحیه، روی تمام شهرهای ناحیه، از کوتاه‌اندام گرفته تا روستاها، توزیع و پخش شود تا ارتباط هماهنگ و متعادل ناحیه با تمام مراکز شهری حفظ شود. در هر شرایط جغرافیایی و در ارتباط با منابع موجود و ساختار نظام شهری، پرهیز از ایجاد متروپل را باید به‌عنوان یک مسئله‌ی اساسی و بنیانی مورد توجه قرار داد. از این رو، باید به سراغ توزیع متعادل کانون‌های شهری و نظام متوازن سلسله‌مراتبی شهر رفت و باید شرایط تبدیل شهر به متروپل را به شرایط ایجاد توازن و تعادل شهری فراهم ساخت. باید قبل از آن‌که توسعه‌ی شهر با موانع و محدودیت‌های حل‌نشده مواجه شود، به فکر چاره بود. فضاهای شهری را با برنامه‌ریزی و مبتنی بر مبانی توسعه‌ی همگن با محیط هدایت کرد و از امکانات موجود در محدوده‌های جغرافیایی مناسب طرح‌های معقولی از فضاهای سکونتی به‌دست آورد.

در این مقاله، عملکرد شهر مرند به‌عنوان شهر میانی، در ساختار اجتماعی، اقتصادی و فضایی شهرستان مرند با استفاده از مدل‌های اقتصادی، جمعیتی و حوزه‌ی نفوذ بررسی شده است. مدل‌های جمعیتی حکایت از افزایش نابرابری فضایی شهرستان با گذشت زمان دارند. بر اساس تحلیل‌های جمعیتی، این شهر توان بالای جذب جمعیت را به‌ویژه از سطح شهرستان دارد. نظام جمعیتی شهرستان با گذشت زمان به سوی تمرکزگرایی می‌رود که ناشی از تمرکز امکانات در مرکز شهرستان است. بررسی ضریب کشش‌پذیری، میزان مهاجرت‌ها و میزان نرخ رشد شهرهای شهرستان مرند نشان از مهاجرفرست بودن این شهرستان دارد، اما شهر مرند توان جذب جمعیت را دارد و مهاجرپذیر است، پدیده‌ی مهاجرفرستی در سطح سکونتگاه‌های روستایی شهرستان، همچنان ادامه دارد. بر اساس مدل‌های اقتصادی در شهر مرند دو بخش صنعت و خدمات، شرایط اقتصادی پایه‌ای دارند و به‌ویژه، بخش خدمات در اشتغال‌زایی در منطقه و حوزه‌ی نفوذ موفق عمل می‌کند. بررسی مدل تغییر سهم و ضریب مکانی در سطح شهرستان مرند، نشان از نقش خدماتی این شهر در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ در سطح شهرستان دارد و روند افزایش تعداد شاغلان و مدل تغییر سهم، نشان از رشد زیاد بخش خدمات در شهر مرند دارد، به‌گونه‌ای که بررسی میزان افزایش شاغلان در بخش‌های مختلف شهر و شهرستان

مرد، بیان می‌کند که در بخش‌های صنعت و کشاورزی در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، تعداد شاغلان کاهش داشته، در حالی که تعداد شاغلان بخش خدمات، افزایش داشته است. در کنار سرمایه‌گذاری در شهر متوسط مرد، باید به شهرهای کوچک شهرستان، مانند کشکسرای، نوز، یامچی و بناب جدید و روستاهای پیرامون آنها از نظر تأمین خدمات، تأسیسات زیربنایی، رفع نیازها و کمبودها و ایجاد زمینه‌های اشتغال نیز توجه کرد تا از این راه با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های شهرستان مرد، به توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی آن کمک کرد. بنابراین لازم است، ضمن دادن امکانات و خدمات در سطوح بالاتر به شهر متوسط مرد و رفع کمبودهای آن متناسب با رشد جمعیت در جنبه‌های گوناگون، به شهرهای کوچک‌تر و روستاهای پیرامونی آن نیز، از نظر ایجاد فرصت‌های اشتغال و ارائه‌ی خدمات آموزشی و درمانی در سطوحی نظیر دبیرستان و درمانگاه توجه شود تا رشد اندامی شهر کوچک، شهر متوسط، شهر بزرگ و روستاها در کل سیستم حاصل شود و زمینه‌ی ایجاد سیستم شهری متعادل فراهم شود، همچنین ضمن سرمایه‌گذاری خصوصی در این نواحی و نقاط محروم، از سیاست‌های تشویقی و کنترلی برای سرمایه‌گذاری در این نقاط استفاده کرد.

منابع

- Amkchy, H., 1992, **Analysis of Population Characteristics, Economic, Social, Medium Cities in Developing Countries**, Plan and Budget Organization, Tehran.
- Consulting Engineers Nagshe Mohit, 1993, **Master Plan for the City of Marand**, Department of Housing and Urban Development in East Azarbaijan.
- Fanni, Z., 2003, **Small Towns in Regional Development Approach**, Municipality of Publications, Tehran.
- Farid, Y., 1989, **Geography and Urban Sociology**, University of Tabriz, Tabriz.
- Filho, A.B., 2000, **Decentralized Medium Cities in the Brazilian Program**, Translation Born Tytkanlu Mohammad, H., Municipalities Monthly, No. 24.
- Hackenberg, R. A., 1982, **Diffuse Urbanization and The Resurce Intermediate Frontier**, (Paper for Expert Group Meeting on The Role of Small and Intermediate Cities in Development U.N), Center for Reg., Dev.t, Nagoya.
- Hansen, N., 1982, **The Role of Small and Intermediate Cities in National Development Process and Strategies**, In: Mathur, Nagoya, Japan.
- Harrison, P. & Todes, A., 2001, **The Use of Spatial Framework in Regional Development in South Africa**, Regional Studies, Vol. 35, PP. 65-72.
- Iranian Statistical Center, **Census 1365, 1375 and 1385 in East Azarbaijan Province**, City and Town of Marand.
- Iranian Statistical Center, 2006, **Statistical East Azarbaijan Province**.
- Kanzmn, C., 1985, **The Idea of Encouraging The Middle of Cities as key in Determining a Successful Policy in Regional Planning**, Translator by Hamideh Amkchy, PBO, Tehran.
- Mabogunj and Misra, 1989, **Regional Development New Methods**, Translation by Mokhber, A., Plan and Budget Organization.
- Mohammad-zadeh Tytkanlu, H., 2000, **Cities of the World Average and Urbanization**, Journal of Urban Management, Tehran, No. 5, PP.22-28.

- Office of Housing and Urban Development in East Azarbaijan, 1999, **Marand Regional Plan**, Adviser Aban.
- Rajai, A., 2007, **The Role of Mini-Cities in Developing Regional Sample Shahreza Masters Thesis Geography Department**, Tehran University.
- Rondinelli, D.A., 1983, **Secondary Cities in Developing Countries**, Policies for Diffusing Urbanization.
- Rondinelli, D.A., 1989, **Analysis Characteristics of Population**, Economic and Social Medium Cities in Developing Countries, Translated by Majid Mohammadi Bakery, Budget and Planning Organization.
- Rondinelli, D. A., 1985, **Equity, Growth and Development**, Journal of America Planners Association, Vol. 5, No. 4, PP.35-41.
- Sarrafe, M., 1990, **Regional Development Planning Basics**, Office Logistics and Regional Planning Management and Planning Organization, Tehran.
- U.N., 1991, **Small Town and Rural Human Resources Dev,t to Reduce Migration to Large Cities**, ESCAP, New Yourk.
- Zebardast, E., 1997, **Urban Functions in Rural Development**, Approach with the Attitude of Spatial to Regional Planning, Housing and The Revolution in Paper, No. 84.
- Ziari, K., 1999, **Principles and Methods of Regional Planning**, University of Yazd, Yazd.
- Ziari, K., 2000, **Study, Analysis and Programing Jobs in The City of Yazd**, Journal of Geographical Research, No. 61, Mashhad, Iran.
- Ziari, K., 2003, **Schools, Theories and Models and Regional Planning Program**, University of Yazd, Yazd.